

مشکل بزرگ جوانان

اداره مجترم مجله مکتب اسلام :

مجله شباهون اغرافهترین نشریه ایران است . مکتب اسلام مجله‌ای است که خواننده صفحات آنرا با اشتیاق و دقت می‌داند و تمام مطالب آنرا نابه‌آخر می‌خواند . مکتب اسلام مجله‌ای است که مثل بعضی از نشریات ، مترجم داستانها و مطالب بی‌ارزش و سطح پرکی جنبه‌ی مجله‌ی خارجی نیست . مکتب اسلام هرماه مدارا از آنچه بین قلم‌نویسین و نامزدانشان گذشته ، آخرین رسی که درلیدن گذشته و تقریباً جوانان پاریس درباره‌ی پیش‌توب ، آگاه نمیکند . مکتب اسلام را نویسندگان می‌نویسند که انقلاب اجتماع ما برخاسته‌اند و شناختن بزرگ‌همناس نشیند . مخصوصاً برای ما درخارج بیشتر از همه ارزش دارد و وقتی است این مجله را می‌آورد واقماً همه‌ی چیزها فراموش کرده و به‌سالمه آن می‌پردازیم .

سعی و کوششی که نویسندگان اداره کنندگان مکتب اسلام در راه انتشار این مجله بکار می‌برند ، خدمت بزرگی به مسلمانان است و شایان تکریم و تقدیر . ما اینرا تنها در اینجا نمی‌گوییم ، در سایر دیگر ، در پیشگاه خداوند نیز شهادت خواهیم داد که دل‌سوزان اجتماع ما به‌کسایت بوده .

همین ارزش و اصالت مجله شامست که مرا وادار به نوشتن این نامه میکنند . در این نامه می‌خواهم درباره‌ی درد جوانان اجتماعان باشناسن بگویم . زیرا من بینم که همیشه‌الآن سخن می‌گویند و خودم نیز جوانی هستم که مدت‌ها در آن اجتماع ریشه و ساحه‌ی خودم را می‌سوزانم که حقیقتی را بی‌پرده بنویسم . شمارا بخدا نامقصرم بدون کم و کسر چاپ کنید . این انشاس یک جوان است از شما که در فکر جوانان هستید .

اینروزها مقاله نوشتن درباره‌ی جوانان و سنک آنان را به‌سینه نزن و درد آنان را کاوش کردن و راه‌چاره پیشنهاد نمودن ، مدروز است ، ولی من کمتر بر خود کرده‌ام به‌نوشتن آنکه

واقماً به‌کنه مطلق رسیده باشد .

بدون مقدمه‌چینی باید بگویم : درد جوانان ما محرومیت جنسی است . این سخن است که هر جوان بخواند در ثانیه اول آهی کشیده و خواهد گفت راست است . ولی ممکن است برای بعضی‌ها این سخن انحراف‌آمیز ، منحرف کننده و عاری از حقیقت باشد . ولی دیر یا زود باید گوشه‌ای‌ها به این سخن هادت کنند . هر چه زودتر بهتر ! اگر کارمادامای درد است نباید آنرا به‌فردا موکول کنیم ، زیرا برای اینکار فردا خیلی دیر است !!

چه فسادهایی که از این محرومیت بر تن خیزد و چه درجهائی که جوانان ما از آن نمی‌گشتند . برای اجتماع ما مسئله جنس یا چراغ مطرح نیست . جوانان ما اکثراً از محیط گرم خانواده‌ی برخوردارند و عقده‌ی عیبنا ندارند . برای اجتماع ما مسئله جنس یا مطرح نیست . دین اسلام در اجتماع ما شعاع انداخته و جوانان ما مثل جوانان اروپائی و آمریکائی ، در جستجوی معنویاتی که در محیط مدرسی اجتماع نمی‌یابند به‌گمیختن رسوم و عادات نمی‌پردازند . چون مراسم پیشی ما را نپذیر نیست بلکه پوشش لطیفی است که هر دل حقیقت‌جو را بر دم نگاه میدارد . مسئله بزرگی که برای ما مطرح است دردی است که جوانان ما از محرومیت جنسی می‌کشند .

درواقع جوانان ما در حال تحریک اندام جنسی هستند . فیلمها و مجلات ما هم‌مها بر آتش جنسی آنان می‌گذارد . همه‌ی ما می‌دانیم که جوان خیلی زود تحریک میشود و همه‌ی ما می‌دانیم که این از حساس‌ترین نقاط روانیک جوان است . جوانان ما تحریک میشوند ولی تسکین نمی‌یابند . اینجا نقطه انفجار است . شیر را می‌جووشانیم و بهیم نمی‌زنیم ، در شرف راهم می‌گذاریم و می‌گوییم بچوش نباید !! همینجا نقطه انفجار است ؛ به‌یابید انفجار چه سورتی بخود می‌گیرد

در جوانان ما نواهایی که تعادل به‌طرز زندگی غربی بیشتر است پارتی‌ها و مجالس رقص تریب فاد می‌شود و جوانان خوددی ارماء میشوند ولی بی‌بندوباری جنس بوجود می‌آید اما اغلب جوانان ما به‌یکی از این سه‌سورنوست دچار میشوند : آمیزش با زنان بی‌کاره ، انحراف جنس و یا عادات مشرک . چون این موضوع بسیار حساس و مهم است بدون پرهیز این حقیقت تلخ را می‌گویم که بسیاری از جوانان ما دچار عادات مشرک هستند .

حای هزارافوس است که چگونه شمع جوانی انطفود خاموش میشود . ضرات اینکار راهم کم و بیش میدانیم . لطامات جسمانی ، تکلیف ، درس خواندن‌ها و بی‌حوصلگی‌ها همه از اینجاست . نکته درد آور دیگر اینکه وقتی جوان برای تسکین خود دست به‌اصال فلسف و عرف و کناه می‌زند ، بسیاری از آنان هستند که وقتی الوده به‌گناه شدند کم‌کم دین را فراموش میکنند

جوان بیدین می‌شود و برای اینکه فکر میکند اسلام مسئول ناکامی جنسی اوست و یا اینکه آفتد درگذره فرو می‌رود که بخاطر اینکه خود را از دست ملامت و همان آسوده کند ، وین را کنار میگذارد . یکی از علل غریب‌زدگی نیز همینست . جوانان تنها برای این شوق غریب میشوند که غریب ماشین دارد و مانند ما ، این تنها علت نیست . جوان عاشق غریب میشود وقتی که در سینه‌ها وسجلات می‌بیند . و یا اینکه اینطور باو فهمیده می‌شود که آنچه را او ندارد غریب دارد ، دردی را که او دارد در غریب دوام میکنند ، غریب آزادی ، حسنی دارد . حتی عده‌ای از جوانان هستند که به بهانه تحصیل ولی به هدف بر خورداری از آزادی ، جنس غریب روانه این دیار میشوند می‌بینیم که در اینجا به جای درس خواندن مشغول عوسیلاری هستند .

چاره! اینکه فقط پیشنهاد جلوگیری از بعضی فیلمها و مطالب مجلات نیست . راه تسکین گرسنه پنهان کردن غذایست . نسیگویم که فیلمها و مطالب محرک مجلات خوب هستند . پلی باید حاوی آنها گرفته شود . ولی تنها این چاره نهائی نمیباشد ، درست است که اینها جوانان را تحریک میکنند ولی در حقیقت بر آتش میافزایند نه اینکه آرزوش کنند . این طبیعی است که جوان احتیاج جنس دارد . چه کسی ایلترا انکار میکند ؟

این امر طبیعی است که جوان از سنین بلوغ تا حدود بیست و پنج سالگی از نظر جنسی بسیار حساس است . این یک غریزه طبیعی است که خداوند در بشر قرار داده . تنها آسانسور کردن فیلمها و مطبوعات برای جلوگیری از تحریک جنس جوانان کافی نیست . این طبیعت خدا داد جوان است که مانند آتشی که طرفش سردا بجوشاند ، او را تحریک می‌کند وقتی که شهر می‌جوشد ، نباید در ظرفها گذاشت و گفت : جوش را با یون آرا بدهد تا سردش کم شود . این یک امر طبیعی است که جوان تحریک خواهد شد چون او احتیاج دارد . احتیاج طبیعی ، احتیاجی که باید جوان بخاطر آن ملامت شود .

بلکه باید اجتماعی را ملامت کرد که او را در حساسترین دوره زندگی خود ، از طبیعتی ترین حق خود محروم کرده است . برای جوان بعد احتیاج ما ازدواج قبل از بیست و پنج سالگی ممکن نیست او در دوران حساس بعد از بلوغ چه باید بکند ؟ وقتی که اولیاده او این احتیاج شدیدش را فراموش کردند ، و حتی او را بخاطر ابراز آن ملامت کردند ، او باید چه کند ؟ هر دکتري شما خواهد گفت که محرومیت جنس در این سنین چه عواقب شومی بدنبال دارد . میدانم که اکثر پدران و مادران اطلاع ندارند ، و یا توجه ندارند ولی من میگویم و این حقیقت داده که بسیاری از جوانان مابین عادات شوم میروند . جوانان دست به گناه کبیره می‌زنند و خود را نیز نابود میسازند . این موضوع بیش از اندازه مهم و خطرناک است . من دوسه سطر ی بشما می‌نویسم ولی بطور عیثوانم در احوالی جوانان در این چند کلمه بشما یانم ؟ شما ای پنداره و مادرها بخاطر خدا و دین سر ما را از زیر برق بپروان آورید و نور چشمان شاهه

(بقیه درس ۶۸)

(بقیة از صفحه ۳۲) این نحو میسوزند و ازین میروند .



دین اسلام بمعنی وجه این را تجویز نکرده است . اسلام مخالف محرومیت جنس است . حال بحث از تسویل شرائط ازدواج را بکتاب می‌گفایم . اسلام برای اینگونه موارد که ازدواج دائم برای شخص ممکن نیست قانون ازدواج موقت را وضع کرده است . این از قوانین شرعی دین ما است . ولی اسوس و صافسوس که همراه پادیکر قوانین این دین چنان فراموش شده که از آن صورتی مسخ شده و نامی نگذارند و اثر تبلیغات نامردانه دشمنان دین ما باقی مانده است .

مگر ما توصیه‌های امام‌زاد (ع) را فراموش کرده‌ایم ؟ چرا پدران و مادران ما برای جوانانمان فکری نمیکنند ؟ مگر نه اینست که ازدواج موقت اینقدر توصیه شده ؟ اگر این قانون به مرحله اجرا درآید جوانان ما که در اثر شرائط زمان نمیتوانند زود ازدواج کنند از امنیت جنس برخوردار خواهند بود . این وظیفه بر عهده پدران و مادران است . اولیاء جوانان باید توجه جدی به این مسئله نمایند زیرا که جوانان آنان هستند که قربانی ترک این قانون شریف میشوند .

آقای محترم ! من مطمئن هستم که شما به اهمیت این مسئله بخوبی واقف هستید ، این وظیفه من ، و امثال من است که این را از نظر آگاهی شما بمحله شما بنویسیم . ولی يك نامه چه میتواند بکند ؟ شاگرد سوز جوانان هستند باز من بجز این راه بنماید ، این وظیفه و عاقل روشنفکر ما و محله مکتب اسلام است که بدان هماد را مبارکباد بدهد . این موضوع مهم روشن کنند ، این مسئولیت بزرگی است که کار کردن در راه آن برای اجرای عقلم و شانه خالی کردن از ذر آن دارای عواقب وحیم است .

داستان تقویم امانت علی بن ابی طالب

بعضی از خوانندگان محترم سوالی کردند که جواب آن را نداشتیم و ناچار شدیم در اینجا مطرح کنیم شاید کسی جواب آن را بیابد و ما بگوئیم و در اختیار عموم بگذاریم و آن اینکه در تقویم امسال بانگ ملی ایران اسمی مطلقاً از روز تولد امام حسین (ع) (سوم شعبان) در روز میلاد مسعود امیر مؤمنان علی (ع) (سیزدهم ربیع) و مانند آن برده نشده ، در حالی که اگر عند این باشد که این روزها تعطیل رسمی نیست ، پس چرا مثلاً روز مادر (۲۵ آذرماه) و روز خانه اسف (۲۱ مهر دوم شعبان) و مانند آنها که تعطیل رسمی هم نیست سر بجا ذکر شده است . آیا بیاید باین روزهای بزرگ تاریخ اسلام لااقل باندازه روز مادر اهمیت بدهند !!